

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جهاد و دفاع

در زمان غیبت

دوره، هفتم، شماره چهاردهم

دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۳

نام جزوه: جهاد و دفاع در زمان غیبت

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه درراه حق

ناشر: موسسه درراه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت‌الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه درراه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

[www.darrahehaq.com](http://www.darrahehaq.com)

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

## فهرست مطالب

- زبان آیات جهاد ..... ۱۵
- دفاع و مسائل آن ..... ۱۷
- روایات دفاع: ..... ۱۸
- فتوای امام خمینی (قدس سره) در دفاع ..... ۲۲
- دفاع با آگاهی از عدم تأثیر، یا کشته شدن ..... ۲۵
- دفاع از دیگران ..... ۲۶
- دفاع از اسلام و مسلمانان ..... ۲۷
- روایات دفاع از اسلام و مسلمین ..... ۳۰
- دفاع از حوزه اسلام و مجتمع اسلامی ..... ۳۵
- دفاع از سایر کشورهای اسلامی ..... ۳۹
- دفاع از اقتصاد اسلام ..... ۴۰
- دخالت فقیه در کیفیت دفاع ..... ۴۲

دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۵

گاهی سؤال می شود: با آن که از نظر فقه شیعه، جهاد باید به اجازه امام زمان (علیه السلام) و یا به فرمان «نائب خاص» آن حضرت صورت گیرد؛ چگونه اکنون که امام عصر - ارواحنا فداه - در پس پرده غیبتند و نائب خاصی هم ندارند، مسلمانان به عنوان جهاد قدم به میدان نبرد گذاشته جانفشانی می کنند؟

اولین پاسخ این سؤال آن است که لزوم اجازه امام (علیه السلام) یا نایب خاص آن گرامی در مورد جهاد ابتدائی است که برای دعوت به اسلام انجام شود و سربازان اسلام بدون آن که حمله ای از سوی دشمن شده باشد برای هدایت کفار و مشرکان و

## ۶ / جهاد و دفاع در زمان غیبت

برانداختن شرک و بت پرستی به جنگ و جهاد  
بپردازند؛ اما در جهادی که بعنوان دفاع از تجاوز  
دشمن و جلوگیری از متجاوز انجام گیرد اجازه  
امام (علیه السلام) و یا نایب خاص آن حضرت لازم  
نیست.

و همان جهاد ابتدائی نیز، هر چند بنابر نظر  
مشهور فقهاء، منوط به اجازه امام زمان (علیه السلام)  
است، ولی برخی از فقهاء قائلند «فقیه عادل» که نایب  
عام امام (علیه السلام) در زمان غیبت است از نظر  
ولایتی که در شعاع ولایت امام (علیه السلام) دارد  
می تواند متصدی آن شود.

«صاحب جواهر» در این باره می گوید: «اگر  
اجماعی در مسأله لزوم اجازه امام وجود داشته باشد

دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۷

باید بدان عمل شود، وگرنه ممکن است به استناد عموم ولایت فقیه در زمان غیبت و کمک ادله عامه جهاد، فقیه عادل بتواند فرمان جهاد ابتدائی بدهد»<sup>۱</sup>.

رهبر فقید انقلاب، امام خمینی (رحمه الله)، در آخر کتاب امر به معروف تصریح کرده اند که «فقیه تمام شئون امام را می تواند تصدی کند جز در فرمان جهاد ابتدائی»، هر چند خود ایشان نسبت به این مسأله در اوّل کتاب بیع، اظهار تردید کرده اند.

در بعض از کتب فقهی نیز برخی از فقیهان، به روایاتی که در باب قیام مسلحانه قبل از ظهور حضرت مهدی (عج) وارد شده، استدلال کرده و قیام

## ۸ / جهاد و دفاع در زمان غیبت

قبل از ظهور را جایز ندانسته اند؛ اینک به بیان نمونه  
از آن روایات می پردازیم:

۱ - «سدیر» از یاران امام صادق (علیه السلام)

می گوید که آن حضرت فرمود:

«ای سدیر، در خانه ات بنشین و فرشی از

فرشهای زیرین خانه ات باش و تا وقتی که شب و

روز آرام است تو نیز آرام باش، پس زمانی که بتو

خبر رسید «سفیانی»<sup>۱</sup> خروج کرده بجانب ما کوچ کن

اگر چه با پای پیاده باشی»<sup>۲</sup>.

---

۱. «سفیانی» فردی ستمگر و جنایتکار است که در روایات

فرموده اند قبل از ظهور حضرت ولی عصر (عج) در شامات قیام

می کند و سرانجام بوسلیه امام (عج) هلاک می شود.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۶.



دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۹

۲ - «ابوبصیر» از شاگردان امام صادق (علیه السلام) می گوید که آن گرامی فرمود: «هر پرچمی که قبل از قیام حضرت قائم (علیه السلام) برافراشته شود صاحب آن طاغوتی است که در برابر عبادت و اطاعت خدا، او عبادت و اطاعت می شود»<sup>۱</sup>.

۳ - «عمر بن حنظله» می گوید امام صادق (علیه السلام) فرمود: پنج علامت قبل از قیام قائم (عج) واقع می شود: صدای مهیب آسمانی، خروج سفیانی، فرورفتن زمین، کشتن انسانی بی گناه و پاک و پاکیزه و خروج یمانی.

۱۰ / جهاد و دفاع در زمان غیبت

عرض کردم: فدایت شوم، اگر فردی از خاندان شما پیش از این علامات قیام کند آیا همراه او قیام نمایم؟  
فرمود: نه!

این روایات علاوه بر ضعف سند و پاره ای از آنها دلالتشان بر مدّعی نیز ضعیف است؛ و شواهدی در روایات دیگر موجود است که توضیح می دهد منظور از نهی مشارکت در جهاد پیش از قیام امام قائم (عج)، جلوگیری از مشارکت در جهاد به پیروی از کسانی است که به طور مستقل و بدون در نظر گرفتن حق حاکمیت اهل بیت عصمت و طهارت، پرچمی برافراشته و مردم را به قیام مسلحانه علیه

دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۱۱

حکومت وقت و برای تثبیت حاکمیت شخص خود دعوت می کنند، اما قیام عالم فقیه متقی که مردم را به سوی اهل بیت می خواند مورد نظر نیست بلکه در پاره ای از روایات مورد تأیید واقع شده است.

### قیام مسلحانه برای حاکمیت پیشوایان معصوم

همان طور که در بالا اشاره کردیم قیام فقیه متقی که مردم را به ولایت و حاکمیت ائمه و امام زمان (علیه السلام) دعوت کند از نطاق روایات نهی بیرون است، چنان که هشتمین پیشوا حضرت امام رضا (علیه السلام) درباره «زید بن علی بن الحسین» که در زمان بنی امیه قیام کرده و شهید شده بود و تفاوت کار او بافتنه ای که برادر امام رضا (علیه السلام)،

«زیدبن موسی بن جعفر» معروف به «زیدالنار» در عراق برپا ساخته بود، به مأمون عباسی فرمود:

«لَا تَقْسُ أَخِي زَيْدًا إِلَى زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليهما السلام) فَإِنَّهُ كَانَ مِنْ عُلَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام)، غَضِبَ لِلَّهِ فَجَاهَدَ أَعْدَاءَهُ حَتَّى قُتِلَ فِي سَبِيلِهِ وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (عليهما السلام) أَنَّهُ سَمِعَ أَبَاهُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليهما السلام) يَقُولُ: رَحِمَ اللَّهُ عَمِّي زَيْدًا إِنَّهُ دَعَا إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام)، وَلَوْ ظَفَّرَ لَوْفِي بِمَا دَعَا إِلَيْهِ، لَقَدْ اسْتَشَارَنِي فِي خُرُوجِهِ فَقُلْتُ: إِنْ رَضِيتَ أَنْ تَكُونَ الْمَقْتُولَ الْمَصْلُوبَ بِالْكَنَاسَةِ فَشَأْنُكَ - إِلَى أَنْ قَالَ - فَقَالَ الرِّضَا (عليه السلام) إِنَّ زَيْدِ بْنَ عَلِيٍّ (عليهما السلام) لَمْ يَدْعُ مَا لَيْسَ لَهُ بِحَقٍّ وَإِنَّهُ

دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۱۳

أَتَقَىٰ لِلَّهِ مِنْ ذَلِكَ، إِنَّهُ قَالَ: أَدْعُوكُمْ إِلَى الرِّضَا مِنْ  
آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه وآله)»<sup>۱</sup>.

(برادرم «زید» را با «زیدبن علی» مقایسه مکن،  
«زیدبن علی» از علماء آل محمد (صلی الله علیه وآله)  
بود و برای خدا خشمگین شد و با دشمنان خدا  
جنگید تا آنگاه که در راه او کشته شد؛ و پدرم  
«موسی بن جعفر (علیهما السلام)» برایم نقل کرد که  
از پدرش «جعفر بن محمد (علیهما السلام)» شنیده  
است که فرمود: خداوند عمویم زید را رحمت کند،  
او مردم را به حکومت فرد پسندیده و مورد رضایت  
از آل محمد دعوت می کرد و اگر پیروز می شد  
بدعوت خود وفا می نمود. او در مورد قیامش با من

---

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹.

مشورت کرد، گفتم: اگر می خواهی کشته و در «کناسه کوفه» بدار آویخته شوی این کار را بکن. در ادامه روایت امام رضا(علیه السلام) فرمود:

زیدبن علی به چیزی که حق او نبود دعوت نکرد و او پرهیزکارتر از این بود، او می گفت: (شما به سوی فرد پسندیده از آل محمد دعوت می کنم).

امام معصوم(علیه السلام) در این روایت کسی را که قیام مسلحانه کرده است به جهت آن که نمی خواهد برای خود حکومتی تشکیل دهد و مردم را به سوی خاندان رسالت و امامت دعوت می کند، مورد ستایش قرار داده و در مشورت نیز قیام او را تجویز فرموده است و در نهایت اعلام می کند که در آن زمینه نتیجه قیام جز شهادت چیز دیگری نیست؛ و

دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۱۵

برخی از روایات به حرمت و جواز قیام، نظری ندارد و فقط ناظر به تأثیر و نتیجه بخش بودن قیام است؛ به هر حال روایات را باید جمع بندی و نتیجه گیری کرد و بر روی هم قیام فقیه عادل و دارای تقوا با شرایطی مورد رضایت معصومین (علیهم السلام) است.

### زبان آیات جهاد

پاسخ دیگر: این گونه روایات، لحن عمومی است که در آیات و روایات وارد شده و قابل تخصیص به زمان غیبت نیست، مانند آیه شریفه «مَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ

الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ  
لَدُنْكَ نَصِيرًا<sup>۱</sup>!

(چرا در راه خدا و نجات مردان و زنان و کودکان مستضعف جهاد نمی کنید که می گویند پروردگارا، ما را از این قریه که اهل آن ستمگرند بیرون آور و برای ما سرپرست و یاور از سوی خودت بگمار).

این آیه که به دفاع از مظلومین و نیز با تکیه بر مسائل عاطفی به نجات مستضعفان فرمان می دهد شامل هر زمانی می شود که دستیابی به هدفهای فوق میسر باشد، بنابراین هر زمان نجات مؤمنان مستضعف ممکن گردد باید در راه آن جهاد کرد و اختصاصی



دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۱۷

به زمان حضور امام (علیه السلام) نخواهد داشت و اساساً اختصاص دفاع از مظلوم به زمان خاصی دارای استهجان است و اگر هم روایتی از دفاع مظلوم نهی کند با این سری از آیات مخالف بوده و اعتبار ندارد.

### دفاع و مسائل آن

در هر صورت، این که آیا فقیه در زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) می تواند فرمان جهاد بدهد یا نه؟ در مورد جهاد ابتدائی است؛ اما در مسأله دفاع این سؤال مورد ندارد، زیرا دفاع نیازی به اجازه امام یا نائب امام ندارد، دفاع اگر از حق شخصی است جواز آن بطور فطری در نهاد انسان و حتی در نهاد حیوانات قرار داده شده؛ حیوانات نیز از خود و فرزند و آشیانه خود دفاع می کنند، هر انسانی فطرتاً بخود

حق می دهد که از خود و تمام چیزهائی که متعلق به اوست دفاع کند و اسلام نیز علاوه بر آن که از این مسأله فطری منعی نکرده بلکه در متون اسلامی بر آن تأکید ورزیده و آن را یک وظیفه حتمی و الزامی شمرده است.

روایات دفاع:

امام باقر (علیه السلام) فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَيَمُقُّتُ الْعَبْدَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ فَلَا يُقَاتِلُ»<sup>۱</sup>.

(خداوند از بنده ای که متجاوز به خانه اش وارد شود و او به مبارزه و دفاع نپردازد، متنفر است).  
و نیز فرمود:

دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۱۹

«إِذَا دَخَلَ عَلَيْكَ رَجُلٌ يُرِيدُ أَهْلَكَ وَ مَالَكَ  
فَابْدِرْهُ بِالضَّرْبَةِ إِنْ اسْتَطَعْتَ، فَإِنَّ اللَّصَّ مُحَارِبٌ لِلَّهِ  
وَ لِرَسُولِهِ فَمَا تَبِعَكَ مِنْهُ شَيْءٌ فَهُوَ عَلَيَّ»<sup>۱</sup>.

(وقتی شخصی بر تو وارد شد که نسبت به خانواده و اموال تو قصد سوئی دارد پیش از آن که بتو حمله‌ور شود بر او ضربت بزن، همانا دزد، محارب با خدا و رسول اوست، پس هر پیامدی داشته باشد به عهده من) و پیامبر عزیز اسلام (صلی الله علیه و آله) فرموده اند:

«مَنْ قُتِلَ دُونَ عِيَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ»<sup>۲</sup>.

---

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹۱.

۲. تهذیب (چاپ دارالکتب اسلامیة - تهران)، ج ۶، ص ۱۵۷.

۲۰ / جهاد و دفاع در زمان غیبت

(آن که در راه دفاع و حمایت از اهل و خانواده اش کشته شود، شهید است).

«ابومریم» از امام باقر(علیه السلام) نقل می کند که فرمود رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرموده اند:

«مَنْ قُتِلَ دُونَ مَظْلَمَتِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ» (آن که در

برابر ستمی که بر او وارد آمده به دفاع برخیزد و کشته شود شهید محسوب می گردد) آنگاه امام

فرمود: «یا ابا مریم هل تدری ما دُونَ مَظْلَمَتِهِ؟ قُلْتُ

جَعَلْتُ فِدَاكَ، الرَّجُلُ يُقْتَلُ دُونَ أَهْلِهِ وَ دُونَ مَالِهِ وَ

أَشْبَاهِ ذَلِكَ؛ فَقَالَ: يَا أبا مَرِيْمَ إِنَّ مِنْ أَلْفَقِهِ عِرْفَانَ

الْحَقِّ!»<sup>۱</sup>.

دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۲۱

(ای ابامریم، آیا می دانی منظور از کشته شدن در برابر ستمی که بر او شده چیست؟ عرض کردم: فدایت شوم یعنی شخصی برای دفاع از اهل و مالش و نظایر آن کشته شود. فرمود: ای ابامریم شناخت حق از جمله فقه است).

این گونه روایات بر چند چیز رهنمون

می شود:

نخست آن که: دفاع از جان و عرض و ناموس و اموال یک تکلیف دینی و عقلی و عرفی است.

دیگر آن که: دفاع هر آسیبی بر مهاجم وارد آید بر مدافع چیزی نیست.

سوم آن که: دفاع چه به نتیجه برسد و متجاوز سرکوب شود و چه بی نتیجه بماند و مدافع شکست

بخورد؛ در هر حال مقدّس است و اگر مدافع در این راه کشته شود در پیشگاه الهی از جمله شهداست. (البته باید توجّه داشت که آنچه برشمردیم همه در صورتی است که دفاع به موقع و با شرایط و حدودی که در فقه تعیین شده انجام شود).

فتوای امام خمینی (قدس سره) در دفاع با ملاحظه این روایات و پذیرش فقهای شیعه و نیز به حکم فطرت انسانی و عقل است که رهبر انقلاب امام خمینی (قُدّس سرّه) در تحریر الوسیله می فرماید: اگر مهاجمی بر انسان حمله کند خواه دزد باشد یا غیر دزد و مقصودش کشتن بنا حق باشد دفاع از او به هر وسیله ممکن واجب است هر چند به کشتن مهاجم منجر شود؛ و برای انسان تسلیم شدن و تن به

دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۲۳

ستم دادن جوائز نیست و این حکم به کسی که خودش مورد هجوم واقع شود اختصاص ندارد بلکه اگر فرزند و دختر و پسر و پدر و مادر و برادر و خواهر و دیگر بستگان و حتی خادم و کنیز او مورد هجوم ظالمانه دشمن برای کشتن ناحق واقع شوند، دفاع تا سرحد کشتن مهاجم واجب است.

اگر مهاجم به حریم او حمله کند و قصدش تجاوز به همسر یا غیر همسر او باشد دفاع به هر وسیله ممکن تا سرحد کشتن متجاوز واجب است، بلکه ظاهراً همین حکم را دارد اگر هجوم بر عرض و حریم برای منظوری پائین تر از تجاوز باشد؛ همچنین اگر تجاوز به مال او یا مال افراد خانواده او باشد.

البته باید در همه این موارد دفاع را با آسانترین وجه ممکن شروع کند و در صورتی که مؤثر نباشد به مرحله بالاتر اقدام ورزد. بنابراین اگر با یک اخطار و تنبیه مهاجم دست برمی دارد بهمان اکتفا کند و اگر ممکن نباشد با فریاد زدن یا با تهدیدات شدید و اگر نشد با دست یا عصا او را دفع نماید و اگر جز با زخم زدن ممکن نباشد با زخم زدن و اگر ممکن نشد و جز با کشتن دفع نمی شود او را با هر حربه و آلت کشنده ای که می شود بکشد. اما اگر با مراعات این ترتیب بیم آن باشد که دشمن فرصت پیدا کند و چیره شود، مراعات ترتیب واجب نبوده و بهر کیفیتی که برای دفع دشمن مؤثر باشد توسّل جوید جایز است و به طور قطع چنانچه اگر از حدّ اعتدال بیرون



دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۲۵

نرود و در دفاع بر مال یا بدن مهاجم نقصی وارد آید یا به قتل او بیانجامد هیچ گونه ضمانتی بر مدافع نیست، اما اگر از مقداری که به نظر خودش و به واقع کافی است تعدی کند ضامن است. اما به عکس اگر از طرف مهاجم مستقیماً یا غیرمستقیم بر مدافع نقص مالی یا جانی وارد شود مهاجم ضامن و مسؤول است.

دفاع با آگاهی از عدم تأثیر، یا کشته شدن اگر مدافع بداند و یا احتمال بدهد که توانائی مقابله با دشمنی را ندارد و در درگیری با او کشته یا مجروح می شود، در صورتی که به جان یا حریم او حمله شده است دفاع واجب است زیرا تن به ظلم دادن و تسلیم شدن در چنین موردی جایز نیست، اما اگر

۲۶ / جهاد و دفاع در زمان غیبت

هجوم به اموال باشد احتیاط آنست که خود را در معرض نابودی قرار ندهد و حتی با احتمال کشته شدن از مال بگذرد و جان خود را حفظ کند.

دفاع از دیگران

امام خمینی (رحمه الله) در رساله مزبور تصریح کرده اند هم چنان که دفاع از خود و زن و فرزند خود برای انسان مشروع است و در آن هر نقصی بر مهاجم وارد آید، مدافع ضامن نیست، همانطور می تواند از ارحام و خویشان و سایر متعلقان خود مثل خادم و خادمه و... به هنگام خطر دفاع نماید<sup>۱</sup>.

---

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۸۷ - ۴۹۱.

دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۲۷

## دفاع از اسلام و مسلمانان

از نظر اسلام، دفاع به محدوده رفع خطر از خود و وابستگان و متعلقان ختم نمی شود و دامنه وجوب آن تا رفع خطر از مکتب اسلام و صیانت مجتمع مسلمین از هرگونه دستبرد و تجاوزی را، شامل می گردد؛ و این دفاع مقدّس نه تنها برای رفع و دفع تسلّط نظامی دشمن، که حتّی در برابر خطر استعمار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - خواه بصورت استعمار نو و خواه بصورت کهنه آن باشد - نیز باید اعمال شود؛ و عوامل چنین خطراتی برای کیان اسلام و مسلمین چه ایادی مستقیم کفّار و دشمنان باشند و چه از ایادی داخلی و از میان خود مسلمانان؛ و در هر سمت و پست و مقامی قرار گرفته باشند؛ واجب

است با آنان به هر صورت ممکن و هر چند گونه مقاومت منفی، مبارزه شود؛ و در این مسیر حتی از قراردادهای و پیمانهای نظامی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی که در آینده به سلطه کفار می انجامد باید جلوگیری گردد و در برابر آنها دفاع بعمل آید.

این دفاع از کیان مکتب و جامعه مسلمانان تنها برعهده افراد عادی از مسلمانان نیست و بر دولتهای اسلامی و تمام مسئولین امور نیز واجب است و همگان در حفظ قدرت، عظمت، فرهنگ و اقتصاد اسلام مسؤولند و هر یک از این امور در معرض خطر قرار گیرد باید به دفاع برخیزند و دفع خطر کنند.

دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۲۹

دلیل وجوب این دفاع مقدّس؛ نخست: عقل فطری است که از مهمترین ادله احکام می باشد و عقل با اولین توجّه لزوم و وجوب آن را درک می کند و نیازی به استدلال و برهان ندارد.

عقل هر انسان خردمندی، به طور بدیهی حکم می کند که هرگونه خطری به عزّت، شرف، آزادی، استقلال و مکتب و حکومت مورد قبول او، متوجّه گردد؛ در برابر آن بدفاع برخیزد و آیین مقدّس اسلام نیز این حکم عقل فطری را تخطئه نکرده و با تأکید هر چه بیشتر به نیرومند ساختن آن برخاسته است.

دلیل دوّم آن که: برداشت و مرتکز هر مسلمان از فرهنگ بالنده اسلامی آنست که اسلام عزیز برای پیروان خویش هرگز ذلّت، اسارت، استعمار و

۳۰ / جهاد و دفاع در زمان غیبت

استثمار را روا نمی‌دارد و تعلیماتی از این دست که «الْإِسْلَامُ يَعْلُوا و لَا يُعْلَى عَلَيْهِ» - اسلام همواره برتر و بالاتر است و چیزی بالاتر از آن قرار نمی‌گیرد این حقیقت را پابرجا می‌دارد.

### روایات دفاع از اسلام و مسلمین

دلیل سوّم: روایاتی است که در متون اسلامی پیرامون دفاع از اسلامی و مسلمین نقل شده است؛ و هر چند در این روایات صریحاً از استعمار و انواع سیاسی و فرهنگی و اقتصادی آن سخنی به میان نیامده، امّا ملاک و معیاری در این روایات موجود است که بر دفاع از این گونه تجاوزات نیز صدق می‌کند؛ اینک فراهانی از این روایات را مرور می‌کنیم:

دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۳۱

«...فَإِنْ جَاءَ الْعَدُوُّ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي هُوَ فِيهِ مُرَابِطٌ كَيْفَ يَصْنَعُ؟ قَالَ: يُقَاتِلُ عَنْ بَيْضَةِ الْإِسْلَامِ. قَالَ: يُجَاهِدُ؟ قَالَ: لَا، إِلَّا أَنْ يَخَافَ عَلَى ذَرَارِي الْمُسْلِمِينَ.»

قُلْتُ: أَرَأَيْتَكَ لَوْ أَنَّ الرُّومَ دَخَلُوا عَلَى الْمُسْلِمِينَ لَمْ يَنْبَغِ لَهُمْ أَنْ يَمْنَعُوهُمْ؟ قَالَ: يُرَابِطُ وَلَا يُقَاتِلُ، فَإِنْ خَافَ عَلَى بَيْضَةِ الْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ قَاتَلَ فَيَكُونُ قِتَالُهُ لِنَفْسِهِ لَا لِلسُّلْطَانِ لِأَنَّ فِي دُرُوسِ الْإِسْلَامِ دُرُوسٌ ذِكْرُ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)»<sup>۱</sup>.

شخصی به هشتمین پیشوا امام رضا (علیه السلام) عرض کرد به مردی از پیروان شما شمشیر و اسبی دادند تا با آن در راه خدا بیکار کند و

---

۱. کافی، ج ۵، ص ۲۱ (چاپ آخوندی تهران).

۳۲ / جهاد و دفاع در زمان غیبت

بعد برخی از یاران به او گفتند جهاد کردن (بیاری طاغوتان) جائز نیست و از او خواستند که اسب و شمشیر را به صاحبش برگرداند، اما صاحبش رفته بود، در این حالت او چه باید بکند؟

امام (علیه السلام) در پاسخ فرمودند: مرزبانی کند و پیکار ننماید.

در ادامه این روایت از امام (علیه السلام) پرسید:  
(...اگر سربازان روم به سرزمینهای اسلامی وارد شوند آیا حق ندارد و سزاوار نیست که از آنان جلوگیری کند؟

فرمود: مرزبانی کند و پیکار ننماید و اگر بر حوزه اسلام و مجتمع اسلامی بیم داشته باشد پیکار کند، که در این وقت پیکار او برای خود اوست نه



دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۳۳

برای سلطان (طاغوت)، زیرا محو و نابودی اسلام، نابودی دین و نام پیامبر (صلی الله علیه وآله) است. بنابراین، حمله و تجاوز گاه به فردی خاص و یا طائفه ای مخصوص است و تجاوز انگیزه خصوصی دارد و گاهی نسبت به عامه مسلمین و برای درهم شکستن و یا تضعیف قدرت اسلام و مسلمانان می باشد؛ در صورت دوّم حمله و تجاوز دشمن تجاوز به حریم اسلام و مسلمین، یا به تعبیر روایات حمله به «بیضه اسلام» است و در این حالت پیکار و نبرد و کشتار برای دفع تجاوز و حفظ قدرت و شوکت اسلام و مسلمین، واجب خواهد بود.

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ دَخَلَ أَرْضَ الْحَرْبِ بِأَمَانٍ، فَغَزَى الْقَوْمَ الَّذِينَ

دَخَلَ عَلَيْهِمْ قَوْمٌ آخَرُونَ، قَالَ: عَلَى الْمُسْلِمِ أَنْ يَمْنَعَ  
نَفْسَهُ وَيُقَاتِلَ، عَنْ حُكْمِ اللَّهِ وَحُكْمِ رَسُولِهِ، وَ أَمَّا  
أَنْ يُقَاتِلَ الْكُفَّارَ عَلَى حُكْمِ الْجَوْرِ وَ سُنَّتِهِمْ فَلَا يَحِلُّ  
لَهُ ذَلِكَ!.

مردی از امام صادق (علیه السلام) پرسید:

(شخصی به سرزمین کفار حربی با اجازه آنان  
وارد شد و قومی که این شخص بر آنان وارد شده  
مورد حمله گروهی دیگر واقع شدند، وظیفه او در  
چنین وقتی چیست؟

امام فرمود: بر مسلمان است که از خود دفاع  
کند و برای حکم خدا و رسول او بجنگد، اما پیکار با

دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۳۵

کافران بنا بر حکم و روش ظالمانه آنان برای او جائز نیست).

مشاهده می شود که در این روایت نیز، پیکار برای حفظ اسلام تجویز شده و نیازی برای اجازه خصوصی از امام معصوم و نایب وی در این مورد نیست.

### دفاع از حوزه اسلام و مجتمع اسلامی

در «تحریرالوسیله» امام خمینی (رحمه الله)، پیرامون دفاع از اسلام و احکام آن و مجتمع اسلامی مسائل فراوانی عنوان شده و برای خنثی ساختن نقشه های شوم استعمارگران فتاوای جدیدی از معظّم له صادر گردیده که قسمتی از آنها بشرح ذیل است:

«اگر شهرهای مسلمانان و یا مرزهای کشور اسلامی را دشمن احاطه کند به طوری که حوزه اسلام و مجتمع مسلمانان مورد خطر قرار گیرد بر مسلمانان واجب است به هر وسیله ممکن دفاع کنند و از بذل جان و مال دریغ ننمایند».

سپس می فرمایند:

«در این مسئله حضور امام و اجازه او و یا اجازه نایب خاص یا عامش شرط نیست، پس بر هر مکلفی به هر وسیله ای بدون قید و شرط واجب است حتی اگر تسلط از جانب دشمن به وقوع پیوسته است و بیم آن می رود که استیلاء زیادتر شود و شهرهای اسلامی در اشغال دشمن واقع شود و

دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۳۷

مسلمانان اسیر گردند، دفاع به هر وسیله ممکن واجب است».

معظم له با بینش والائی که از اسلام دارند مسأله دفاع را به دفاع نظامی و جنگ مسلحانه منحصر نمی دانند و مبارزه با نفوذ استعمار را به هر شکل ممکن واجب می شمارند؛ از این جهت به دنبال فتاوی فوق می فرمایند:

«اگر ترس این باشد که دشمنان اسلام از جهت سیاسی و اقتصادی بر حوزه اسلام سلطه پیدا کنند و در نتیجه اسلام و مسلمانان ناتوان و سست و ضعیف شوند بر مسلمانان واجب است که با وسایل مشابه مقاومت منفی از خود نشان دهند و اجناس آنان را

نخرند و استعمال نکنند و به هیچ وجه با آنان معامله و رفت و آمد نداشته باشند و مبارزه به مثل نمایند».

«اگر روابط تجاری و غیر آن موجب خوف استیلاء دشمن بر بلاد اسلام باشد بر بازرگانان و تمام مسلمانان واجب است که از این مراودات اجتناب کنند و این گونه مراوده ها که موجب استعمار مسلمانان و یا استعمار بلاد آنان می گردد حرام است».

«اگر روابط سیاسی بین دول اسلامی و دول اجانب موجب تسلط اجانب بر بلاد مسلمانان و یا بر نفوس و اموال آنان باشد؛ و یا موجب اسارت سیاسی مسلمانان باشد بر رؤساء دولتها این روابط و این مناسبات حرام است و اگر قرارداد و پیمانی هم با

دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۳۹

آنان امضاء کنند از درجه اعتبار ساقط است و بر مسلمانان واجب است که آنها را ارشاد و هدایت کنند و بر ترک این گونه عقد و قراردادهای وادارند و این عمل را حتی با مبارزه منفی انجام دهند.<sup>۱</sup>

دفاع از سایر کشورهای اسلامی

از نظر رهبر کبیر انقلاب و طبق فتوای صریح ایشان، مسأله دفاع به یک کشور و یا به مسئولین و اهالی منطقه خاصی، اختصاص ندارد؛ و اگر خطر حمله اجانب برای یک دولت اسلامی پیش آید واجب است همه دول اسلامی به دفاع برخیزند و نیز تکلیف ملت‌های مسلمان و همه آحاد مسلمین نیز همین است.

---

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۸۶ - ۴۸۵.

۴۰ / جهاد و دفاع در زمان غیبت

حتی وظیفه سایر دول اسلامی آنست که اگر یک دولت اسلامی، پیمانی بر خلاف مصلحت اسلام و مسلمانان امضاء کرد بکوشند تا آن پیمان را به وسائل سیاسی یا اقتصادی از قبیل قطع رابطه سیاسی و تجاری برهم زنند و بر سایر افراد مسلمان نیز واجب است به این موضوع اهتمام ورزند و به مبارزه منفی با چنین اعمالی پردازند؛ و چنین عقد و پیمانهایی از نظر اسلام حرام است.

دفاع از اقتصاد اسلام

ابعاد دفاع در اسلام چنان فراگیر و گسترده است که امور اقتصادی مسلمانان را نیز شامل می شود؛ چرا که نفوذ و وابستگی اقتصادی از حربه های خطرناک اجنبی برای سلطه بر مسلمین و ضربه به اسلام است؛



دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۴۱

از همین رو، رهبر فقید انقلاب (قدس سره) صریحاً فتوا داده اند: «اگر در روابط تجاری با دولتهای اجنبی و یا با تجار کشورهای بیگانه، بیم شکست خوردن بازار مسلمانان و حیات اقتصادی آنان باشد واجب است این نوع رابطه ترک شود و چنین تجارتی حرام می باشد و بر رؤسای مذهب واجب است که این گونه اجناس و این گونه معاملات را بر حسب اقتضاء موقعیت تحریم کنند و بر امت اسلامی است که از آنها متابعت نمایند، همانطور که بر همه مسلمانان کوشش در قطع این گونه روابط واجب است»<sup>۱</sup>.

۴۲ / جهاد و دفاع در زمان غیبت

### دخالت فقیه در کفایت دفاع

گفتیم که بنا به فتوای امام خمینی (رحمه الله) و سایر فقهای اسلامی، در مورد «دفاع» اجازه امام (علیه السلام) و نایب خاص و نیز اجازه نایب عام او - که فقیه عادل در زمان غیبت است - لازم نیست و بر هر مسلمان واجب است که از اسلام و مرز و بوم مسلمانان دفاع کند.

اما این سؤال باقی می ماند که: جنگهای دفاعی در برابر یورش و حملات بزرگ دشمنان، بدون نظام و سازمان دهی و صف بندی مفید و مؤثر نخواهد بود، در این صورت مسؤولیت فرماندهی و تنظیم امور جنگ با کیست و مسلمانان مدافع از چه کسی باید فرمان بگیرند و اطاعت کنند؟

دوره هفتم، شماره چهاردهم / ۴۳

پاسخ آنست که: در زمان غیبت امام، مسؤولیت فرماندهی این گونه جنگها با فقیه عادل است و اطاعت از فرمان او واجب می باشد، زیرا طبق سیره پیامبر (صلی الله علیه وآله) این گونه جنگها در صدر اسلام با فرمان و دستور آن حضرت انجام می شده و در جنگهای دفاعی نظیر جنگ احد و خندق، فرمانده خود پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) بوده اند.

روش امیر مؤمنان، علی (علیه السلام) در جنگها و نیز حضرت سیدالشهداء امام حسین (علیه السلام) در نبرد کربلا که نبردی دفاعی بود، همین بوده است و آن گرامیان خود فرماندهی را به عهده داشتند؛ بنابراین در زمان غیبت امام زمان (عج)، این سمت به مقتضای ادله ولایت فقیه، به عهده فقیه عادل است و

۴۴ / جهاد و دفاع در زمان غیبت

باید از فرمان او پیروی شود و اکنون فرماندهی دفاع از حریم اسلام و مسلمین را رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای - دام ظلّه العالی - به عهده‌دارند.

خداوند سایه‌ی معظم له را مستدام بدارد و این فرماندهی را به فرماندهی حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) متصل گردانند.

آمین یا رب العالمین